

مروری بر صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ج.ا.ا



شهریار بر آهویی
(دادیار دادرسی نظامی کرمان)

مشمول اصول مربوط به این قوه هستند»

همان‌گونه که می‌دانید، جرایم خاص نظامی و انتظامی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۳/۳، مشتمل بر نود و شش ماده و بیست و هشت تبصره می‌باشد. جرایمی از قبیل لغو دستور، گزارش خلاف واقع، فرار از خدمت، ترک پست نگهبانی، استفاده غیرمجاز و غیره.

ب) رأی وحدت رویه شماره ۳۴۹۸ مورخه ۱۳۳۵/۹/۵:

«نظر به اینکه قید کلمه امنیه در ماده (۹۱) قانون دادرسی و کیفر ارتش در موقعی بوده که سازمان ژاندارمری تابع وزارت جنگ بوده و فعلاً به موجب ماده سوم قانون اصلاح قانون بودجه کل سال ۱۳۲۰ کشور، سازمان مزبور ضمیمه وزارت کشور گردیده و به همین جهت در قانون رسیدگی به جرایم عمومی افسران و افراد ارتش در دادگاههای عمومی مصوب ۲۹ آبان ماه ۱۳۲۲، ذکری از امنیه یا ژاندارم نشده و اینکه به موجب ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری، افسران و افراد ژاندارم از ضابطین دادگستری می‌باشند؛ بنابراین رسیدگی به جرایم عمومی مستخدمین مذکور در صلاحیت دادگاههای دادگستری است»

۲. جرایم در حین خدمت

ماده (۱۹۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰،

مقدمه:

به لحاظ مشکلاتی که در برخی پرونده‌ها در خصوص اختلاف در صلاحیت میان سازمان قضایی با محاکم عمومی به وجود می‌آید، در صدد برآمدیم تا به بهانه مروری بر صلاحیت سازمان قضایی، با گردآوری غالب قوانین و آرا و نظریات حقوقی، به برخی اختلافات در صلاحیت میان محاکم عمومی با سازمان قضایی نیز پرداخته و ابهامات موجود را نیز مستدل و مستند به بحث گذاریم؛ تا مخاطبان حقوقدان به قضاوت نشسته و به تجزیه و تحلیل آن همت گمارند. لذا بدون پرداختن به حواشی و دیگر مسایل کلی که از حوصله این بحث خارج است، به شرح ذیل به تشریح صلاحیتهای سازمان قضایی می‌پردازیم.

۱. صلاحیت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی

الف) اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی، مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد؛ ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و

هنگامی که دادسرای نظامی در حال تحقیق در خصوص یک جرم خاص نظامی مانند استفاده غیرمجاز از خودرو نظامی است و در ادامه آن، جرایم دیگری از قبیل جرایمی که در صلاحیت ذاتی محاکم عمومی یا انقلاب است کشف گردد، قادر خواهد بود به آن جرایم نیز رسیدگی نماید

قانونی دانست که صلاحیت دادگاههای نظامی را محدود کرد. طبق قانون مذکور: «از تاریخ تصویب این قانون، دادگاههای نظامی منحصرأ به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی رسیدگی خواهند کرد و رسیدگی به سایر جرایمی که در صلاحیت دادگاههای مذکور قرار گرفته به مراجع قضایی دادگستری محول می‌گردد.

تبصره یک - جرایمی که افسران و درجه داران و افراد شهربانی و ژاندارمری کشور به سبب خدمت یا در حین خدمت و به سبب آن مرتکب شده یا بشوند در مراجع قضایی دادگستری رسیدگی خواهد شد»

اما قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲، با اصلاحات سال ۱۳۶۸ مشتمل بر دوازده ماده و هشت تبصره، دگرگونی اساسی در دادگاهها و دادسراهای نظامی به وجود آورد؛ به نحوی که مجدداً صلاحیت رسیدگی به جرایم نظامیان که در حین خدمت مرتکب می‌شوند را به محاکم نظامی اعاده نمود.

ماده یک قانون مذکور می‌گوید: «رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران - ارتش، سپاه، ژاندارمری، پلیس قضایی، کمیته‌هایی انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر، بر طبق مواد این قانون در صلاحیت دادگاههای خاص نظامی است»، سپس مقنن در تبصره یک قانون فوق، جرایم مربوط به آن وظایف خاص نظامی و انتظامی را به شرح ذیل تعریف می‌نماید:

«منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیتهای نظامی و انتظامی که طبق قانون ومقررات به‌عهده آنان است مرتکب گردند» و به دنبال آن قسمت اخیر اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی را تکرار و مقرر می‌کند: «جرایمی که افراد نیروهای مسلح در مقام ضابط دادگستری بودن مرتکب شده باشند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود» به هر حال، جرم در حین خدمت در بعد از انقلاب یک‌بار در سال ۱۳۵۸، از صلاحیت محاکم نظامی خارج گردید؛ لیکن مجدداً این صلاحیت به محاکم نظامی اعاده شد.

۳. صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی به سایر جرایم دیگر

قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشتمل بر سه ماده، رسیدگی به کلیه جرایم را تحت شرایطی در صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی دانسته و در ماده یک

«صاحب منصبان و تائین نظامی بری و بحری و همچنین مستحفظین سرحدی، هرگاه در موقعی که سر خدمت هستند متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شوند رسیدگی به آن از خصایص محاکم نظامی است. مستثنیات این ماده در موارد ذیل مصرح است» ماده (۱۹۲) ق.آ.د. کیفری مصوب ۱۳۹۰، «صاحب منصبان و تائین نظامی که جزوقشون ردیف یا احتیاطی محسوب می‌شوند، در صورت اتهام به جنحه و جنایت در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند، مگر اینکه محقق شود که تقصیر آنان راجع به خدمات نظامی است»

ماده (۱۹۳) - «همچنین صاحب منصبان نظامی متقاعد، در مورد اتهام به جنحه و جنایت در محاکم عمومی محاکمه شوند مگر اینکه کشف شود که جرم آنان در زمانی واقع شده که در سر خدمت نظامی بوده‌اند یا جرم مزبور مربوط به تکالیف نظامی آنان است»

ماده (۱۹۴) - «صاحب منصبان و تائین نظامی که در ادارات کشوری مشغول خدمتند در حکم صاحب منصبان نظامی هستند که در ماده قبل مذکور است، یعنی در صورتی که جرم آنان راجع به نقض تکالیف خدمت نظامی آنان نباشد در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند»

ماده (۱۹۵) - «صاحب منصبان کشوری که در قشون بری و بحری مشغول خدمتند در صورتی که جرم آنان راجع باشد به عدم اطاعت نظامی یا سایر تکالیف مقرر که برای خدمت آنان در جزو نظام معین شده است، در محاکم نظامی و در سایر موارد در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند»

ماده (۱۹۶) - «در غیر موارد ماده قبل، صاحب منصبان و مأمورین کشوری فقط در صورتی در محاکم نظامی محاکمه می‌شوند که در محل ارتکاب جرم به طوری که قانون تعیین می‌کند، حکومت نظامی اعلان شده باشد»

قانون راجع به اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸/۲/۱۱ شورای انقلاب، را می‌توان نخستین

قانون مذکور آمده است: «هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی و یا انتظامی، جرایم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می‌باشد» این ماده به نحوی تنظیم شده که در واقع تحت شرایط فوق، صلاحیت دادرها و دادگاههای نظامی به شکل وسیعی گسترش می‌یابد به عنوان مثال، هنگامی که دادرای نظامی در حال تحقیق در خصوص یک جرم خاص نظامی مانند استفاده غیرمجاز از خودرو نظامی است و در ادامه آن، جرایم دیگری از قبیل جرایمی که در صلاحیت ذاتی محاکم عمومی یا انقلاب است کشف گردد، قادر خواهد بود به آن جرایم نیز رسیدگی نماید. همچنین ماده (۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۳/۳، مقرر می‌دارد: «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، دادگاه طبق قوانین عمومی کیفر خواهد نمود»

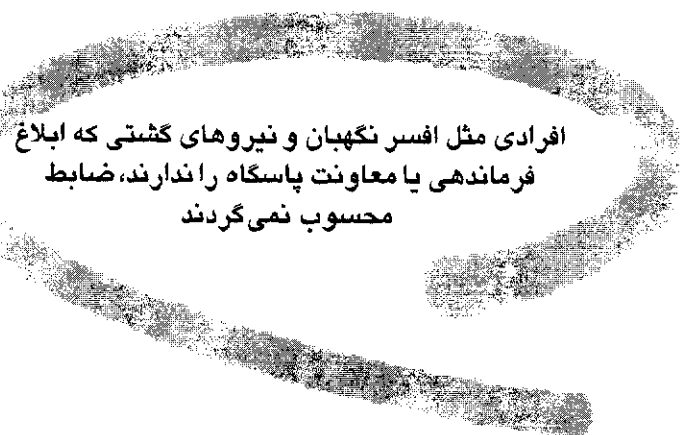
۴. رسیدگی به جرایم در مقام ضابط و در حین خدمت
البته تردیدی وجود ندارد که رسیدگی به جرایم در مقام ضابط نظامیان، براساس اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی و رأی وحدت رویه شماره ۳۴۹۸ مورخه ۱۳۳۵/۹/۵، تبصره دو ماده یک قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲، در صلاحیت محاکم دادگستری می‌باشد؛ ولیکن نکته اساسی که در واقع اصل مقاله مذکور برای روشن شدن آن تلاش دارد، این است که اساساً ضابط به چه کسی گفته می‌شود یا کدام جرم ضابط در صلاحیت محاکم عمومی است و یا این که چنانچه ضابط در عین حالی که در مقام ضابط مرتکب جرمی می‌شود در همان حال نیز در حین خدمت می‌باشد، کدام یک از محاکم عمومی و یا نظامی صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارند؟ در این مورد دو برداشت به نظر می‌رسد:
الف) در این خصوص ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ مقرر می‌دارد:

«ضابطين عدليه عبارتند از مأمورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرایم (خلاف و جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید. ضابطين مذکوره به ترتیب ذیل تقسیم می‌شوند:

- اول . مدعی عمومی ابتدایی و معاونین او،
 - دوم . مستنطق،
 - سوم - کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان،
 - چهارم . صاحبان مناصب و رؤسای بریگاد و ژاندارم و امنیه.
- مدعی عمومی، رئیس ضابطين عدليه محسوب است؛ ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزایی است.

حدود وظایف هر کدام از مأمورین مذکوره به طوری که در این باب مقرر است.
کلیه ضابطين دادگستری مکلفند دستور مقامات قضایی را انجام داده و اجرا نمایند. متخلفین از طرف دادستان در دادگاه شهرستان تعقیب و به انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه از خدمت محکوم خواهند شد و حکم دادگاه شهرستان قطعی است.»

بر اساس این قانون، ضابطين قوه قضاییه بر دو دسته‌اند که دسته اول، ضابطين قضایی می‌باشند که در بندهای اول و دوم نام برده شده‌اند و دسته دیگر، ضابطين غیرقضایی می‌باشند که در بندهای سوم و چهارم احصا شده‌اند که در حال حاضر اعضای نیروهای انتظامی می‌باشند که به عنوان ضابط عام شناخته می‌شوند و برطبق قانون نیروهای انتظامی مصوب ۶۹/۴/۲۷، تمامی پرسنل این نیرو ضابط قوه قضاییه محسوب نمی‌شوند و نشده‌اند که همین موضوع در مواد (۱۹) الی (۲۷) ق.آ.د کیفری مصوب ۱۲۹۰ به آن اشاره دارد؛ بلکه فقط فرماندهان پاسگاههای انتظامی و معاونین آنها چنین سمتی را دارند. بنابراین، افرادی مثل افسر نگهبان و نیروهای گشتی که ابلاغ فرماندهی یا معاونت پاسگاه را ندارند، ضابط محسوب نمی‌گردند. ضمن این که بر اساس قانون، کلیه اختیارات قانونی قضات دادرهای عمومی برای قضات دادرهای نظامی را در نظر گرفته شده که این امر در ماده (۱۱) قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ مقرر گردیده: «اختیارات و وظایف دادستان و بازپرس و دادیار دادرهای نظامی با رعایت مقررات این قانون، همان اختیارات و وظایفی است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، برای دادستان و بازپرس و دادیار دادرسی عمومی تعیین شده است و آیین رسیدگی به ترتیب مقرر در



افرادى مثل افسر نگهبان و نیروهای گشتی که ابلاغ فرماندهی یا معاونت پاسگاه را ندارند، ضابط محسوب نمی‌گردند

رسیدگی به جرم در مقام ضابط که به محاکم عمومی واگذار شده است همان جرایمی می‌تواند باشد که صرفاً ضمانت اجرای آنها مواد (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و یا ماده (۱۶) قانون آیین دادرسی محاکم عمومی و انقلاب می‌باشند و در سایر موارد و سایر جرایم، جرم در حین انجام وظیفه محسوب و صلاحیت رسیدگی به آنها به عهده محاکم نظامی می‌باشد، بجز جرایم عمومی افراد نظامی که مطابق اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی به عهده محاکم عمومی می‌باشد.

قانون مزبور خواهد بود. « بنابراین، ضابط از نظر دادسراها و دادگاه‌های نظامی فقط شامل فرماندهان کلانتریها و معاونین آنها می‌باشند، نه سایر مأمورین نیروی انتظامی که در قسمتهای دیگر انجام وظیفه می‌نمایند.

همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا رؤسای شهربانی ضابط دادگستری به شمار می‌آیند یا خیر؟

نظریه مشورتی شماره الف ۱۷۰۳۹۷ / ۵۳ اداره حقوقی وزارت دادگستری، با استناد به اینکه نام کمیسرپلیس در تشکیلات شهربانی به کلانتر تغییر یافته و این نام معرف سمت مشخصی در سازمان پلیس است، رؤسای شهربانی را علی‌الاصول جزء ضابطین دادگستری نشناخته و اظهار نظر کرده است: «به صراحت مواد (۱۹ تا ۲۶) قانون آیین دادرسی کیفری، در شهربانی فقط کمیسر پلیس یا قائم مقام او جزء ضابطین دادگستری محسوب می‌شود و رئیس شهربانی جزء ضابطین دادگستری نیست مگر اینکه شخصاً متصدی امور کمیسری (کلانتری) باشد.»

ب) آنچه در ذیل ماده (۱۹) قانون آ.د کیفری مصوب ۱۲۹۰ و ماده (۱۶) قانون آیین دادرسی کیفری محاکم عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ مقرر گردیده، در واقع ضمانت اجرایی است که برای ضابط در صورت ارتکاب جرم وی که همان عدم اجرای دستور مقام قضایی است در نظر گرفته شده و اساساً در صورتی که ضابط در اجرای دستورات مقام قضایی مرتکب جرم (تخلف) گردد، تنها با همین ضمانت اجرا تعیین شده در مواد مذکور امکان رسیدگی به جرم او را در محاکم عمومی می‌توان تصور کرد. البته در این خصوص اختلاف نظرهایی در زمینه اعمال مجازات وجود دارد. عده‌ایی مجازاتهای مقرر در ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و ماده (۱۶) قانون آیین دادرسی کیفری محاکم

عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸، را تنبیه انضباطی و برخی آن را از مصادیق مجازاتهای عمومی می‌دانند که نظریات مشورتی در این خصوص را به شرح ذیل ذکر می‌کنیم.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۰۰ مورخه ۱۳۵۵/۱۱/۲، بیان می‌کند: «تعقیب ضابطین دادگستری به موجب ذیل ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، به لحاظ عدم اجرای دستور مقامات قضایی ماهیتاً یک تعقیب جزایی نیست بلکه در ردیف تعقیبات انضباطی محسوب است و کیفر انفصال موقت که در زمره کیفرهای اداری نیز در محاکمات اداری مورد حکم واقع می‌شود، نمی‌تواند کیفر مخصوص در جزای عمومی تلقی شود.»

۲. نظریه مشورتی شماره ۴۸۹۴ مورخه ۱۳۴۴/۱۰/۲، «به طور کلی رسیدگی به تخلفات مأمورین هر اداره با دادگاههای اداری خود آن اداره است مگر اینکه قانون ترتیب دیگری مقرر داشته باشد و قانونگذار فقط در مورد رسیدگی به تخلفات ضابطین دادگستری از قاعده کلی عدول و رسیدگی به تخلفات ضابط دادگستری را وقتی که تخلف مربوط به عدم انجام و اجرای دستور مقام قضایی باشد، مطابق ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، به عهده رئیس دادگاه شهرستان واگذار کرده است و اموری که مربوط به وظایف و تکالیف ضابطین دادگستری نباشد مشمول حکم صادره مذکور نخواهد بود.»

عیناً قسمت ذیل ماده (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و ماده (۱۶) ق.آ.د کیفری محاکم عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ را بیان می‌کنیم: «کلیه ضابطین دادگستری مکلفند دستور مقامات قضایی را انجام داده و اجرا نمایند. متخلفین، از طرف دادستان در دادگاه شهرستان تعقیب و به انفصال موقت از یک تا شش ماه از خدمت محکوم خواهند شد و حکم دادگاه شهرستان قطعی است» ماده (۱۶) ق.آ.د کیفری محاکم عمومی و انقلاب مقرر می‌دارد: «ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند؛ در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.» (البته ماده فوق مجازات ماده (۱۹) را تشدید نموده است)

شاید با عنایت به بند یک ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی کیفری عمومی و انقلاب، که تمامی نیروی انتظامی را ضابط دادگستری دانسته، بیان شود که قاعده قدیمی به نوعی نسخ گردیده، ولیکن در پاسخ باید گفته شود:

اولاً: بند ۸ ماده (۴) قانون نیروی انتظامی، این نیرو را ضابط قوه قضاییه بیان کرده و نه دادگستری؛ و در مقام ضابط

قوه قضاییه تکالیفی را نیز به عهده این نیرو قراردادده است. ثانیاً: در ماده (۲۸۴) قانون آیین دادرسی کیفری محاکم عمومی و انقلاب، نیروی انتظامی را در کنار سایر ضابطین بیان داشته و حال آنکه وقتی از عبارات ضابطین دادگستری استفاده کرده، دیگر نیازی به ذکر عبارت نیروی انتظامی نبود مگر اینکه بپذیریم برخلاف بند یک ماده (۱۵)، تمامی پرسنل نیروی انتظامی نمی‌توانسته‌اند ضابط دادگستری باشند و بین این ماده با ماده (۱۵)، تناقض آشکار مشاهده می‌گردد و به نوعی ماده (۲۸۴) بند یک، ماده (۱۵) را محدود نموده است. همچنین برای تکمیل نظریه فوق باید اضافه گردد، ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری که در ماده (۱۷) قانون دادرسی کیفری محاکم عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ مقرر گردیده نیز صرفاً دارای همان ضمانت اجرای ماده (۱۶) قانون آیین دادرسی کیفری محاکم عمومی انقلاب می‌باشد و نه بیشتر؛ و اینکه آیا این ریاست ضابطین می‌تواند مجوزی برای سرکشی و بازدید از پاسگاههای انتظامی حوزه قضایی مربوط، به منظور آموزش و تعالیم قضایی به پرسنل پاسگاههای انتظامی تلقی گردد یا خیر؟ کمیسیون آیین دادرسی کیفری اداره حقوقی قوه قضاییه چنین اظهار نظر کرده است: «ضابطین دادگستری فقط از حیث انجام وظایف مربوط به ضابط بودن تحت نظارت دادستان می‌باشند و دادستان حق دارد از این حیث بر کارکنان نظارت کند. دادستان می‌تواند نظریات و خواسته‌های قانونی خود را کتباً به پاسگاهها اعلام نماید و راهنمایی‌های لازم را به عمل آورد. سرکشی و بازدید از پاسگاههای ژاندارمری و تحت آموزش قرار دادن پرسنل پاسگاهها از سوی دادستان فاقد مجوز قانونی است.» (نظریه مشورتی شماره ۷/۶۲۹۲ مورخه ۶۵/۱۰/۲۷) علاوه بر این، در زمانی که از یک سو مأمور نظامی با دستور مقام قضایی محکمه عمومی مرتکب جرمی گردید که در عین حال آن جرم در حین انجام وظیفه نیز تلقی می‌شود، لذا چون در این موارد هم محکمه عمومی به لحاظ دارا بودن صلاحیت رسیدگی به جرم در مقام ضابط و هم محکمه نظامی به لحاظ دارا بودن صلاحیت رسیدگی به جرم در حین انجام وظیفه خود را صالح می‌دانند، اختلاف در صلاحیت پیش می‌آید که برای رفع این اشکال، سازمان قضایی نیروهای مسلح، طی نامه شماره ۷/۹/۱۰۹۰۱/۷۳۷۳/۱۱/۳ از ریاست محترم قوه قضاییه درخواست نموده که از مقام معظم رهبری و فرماندهی کل نیروهای مسلح کسب اجازه شود که سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز باشد به جرایم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح و جرایم در حین خدمت آنان رسیدگی نماید. این درخواست توسط ریاست محترم قوه قضاییه به

استحضار مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا رسیده است و معظم له طی نامه شماره ۲/۴۲۹۹/۷۳۷۳/۱۱/۲۰ به قوه قضاییه چنین ابلاغ فرمودند:

«سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز است به جرایم در حین خدمت نیروهای مسلح رسیدگی نماید.» گرچه بعد از آن، سازمان قضایی طی بخشنامه‌ای اجازه فوق را چنین تفسیر کرد که جرم در مقام ضابط را جرم در حین خدمت محسوب نمود و آن را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته که بلافاصله این بخشنامه به موجب رأی شماره هپ/۱۳۵/۷۸ مورخه ۷۹/۷/۲۱، از سوی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده و علت ابطال آن را نیز خروج از فرمان مقام معظم رهبری بیان داشت. لیکن دیوان عدالت اداری هرگز اجازه صادره از سوی مقام معظم رهبری را ابطال ننموده و کماکان این مجوز به قوت خود برای صلاحیت بخشیدن به محاکم نظامی باقی است.

نتیجه نهایی این که، رسیدگی به جرم در مقام ضابط که به محاکم عمومی واگذار شده است همان جرایمی می‌تواند باشد که صرفاً ضمانت اجرای آنها مواد (۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و یا ماده (۱۶) قانون آیین دادرسی محاکم عمومی و انقلاب می‌باشد و در سایر موارد و سایر جرایم، جرم در حین انجام وظیفه محسوب و صلاحیت رسیدگی به آنها به عهده محاکم نظامی می‌باشد، بجز جرایم عمومی افراد نظامی که مطابق اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی، به عهده محاکم عمومی می‌باشد.

